

تأثيرات اعمال فشار حداكثري ترامپ بر سياست داخلي ايران منافع اروپا در حمايت از برجام است

نويسنده: الی گرانمايه

مترجم: طلا تسليمی

منبع: شورای روابط خارجی اروپا





فهرست مطالب

۳.....	مقدمه
۵.....	رقابت بر سر حل مشکلات.....
۵.....	نجات اقتصاد.....
۱۰.....	دیپلماسی با ایالات متحده.....
۱۳.....	امنیت منطقه ای.....
۱۸.....	پیشبرد همکاری دیپلماتیک اروپایی.....

مقدمه

پس از دیپلماسی طولانی و دشواری که نهایتاً در سال ۲۰۱۵ به توافق هسته ای ایران انجامید، کارزار اعمال فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ علیه ایران به عقب نشینی جریان اصلی در فضای سیاسی این کشور از حمایت از تعامل با غرب منجر شده است. اگر کشورهای اروپایی به پیشبرد سیاست و دیپلماسی در قبال ایران امیدی داشته باشند، به ویژه با توجه به نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، باید درک عمیق تری از مسائلی که بر تصمیم گیرندگان در تهران تاثیر می گذارد، داشته باشند.

در حال حاضر بزرگ ترین چالش پیش روی سران ایران اقتصاد است که به دلیل مسائلی از جمله سو مدیریت، فساد و تحریم ها دچار بحران شده. اخیراً یکسری بحران ها از اعتراض های عمومی گرفته تا تنش های نظامی با ایالات متحده، کاهش قیمت نفت و شیوع کووید ۱۹ این مشکلات را تشدید کرده اند. تمایز قائل شدن بین مناظرات داخلی بر سر شیوه مدیریت اقتصاد ایران با چگونگی مدیریت روابط با ایالات متحده اساساً غیر ممکن است. نیروهای نسبتاً میانه رو در سال ۲۰۱۳ با ریاست جمهوری حسن روحانی که به دنبال موفقیت دیپلماسی با غرب برای بهبود اقتصاد از طریق تضمین لغو تحریم ها بوده، قدرت را در دست داشتند؛ اما خروج ایالات متحده از توافق هسته ای در سال ۲۰۱۸ این نیروها را به عقب نشینی وا داشته و سبب شده گروه هایی که به دنبال رویکرد تهاجمی تر در قبال غرب و خودکفایی بیشتر در اقتصاد داخلی هستند، قدرت بگیرند.

کارزار اعمال فشار حداکثری ایالات متحده و اتخاذ رویکرد تقابلی از سوی ایران خطر درگیری نظامی بین دو طرف را افزایش داده است. منافع اروپا حکم می کند که این چرخه تنش را که پیشتر به حمله مستقیم نظامی در عراق انجامیده و بی ثباتی در آبراه تجاری تنگه هرمز را در پی داشته، بشکنند. در صورت ادامه کارزار اعمال فشار حداکثری در دولت بعدی ایالات متحده، مخاطرات بیشتری در کمین اروپا خواهد بود که از جمله آنها می توان به پیشروی ایران در برنامه های هسته ای و موشکی اشاره کرد. پیروزی کارزار اعمال فشار حداکثری احتمالاً به معنای شکست جناح میانه رو در انتخابات ریاست جمهوری سال آتی ایران خواهد بود.

اروپای برای اینکه بتواند دیپلماسی خود را به شیوه موثرتری پیش ببرد، باید به درک عمیق تری از تمایلات، اولویت ها و عملکرد بلوک های قدرت در ایران دست یابد. اروپا از طریق مسائل اقتصادی و پرونده هسته ای می تواند ایران و ایالات متحده را به تعامل و مشارکت در مذاکرات معنادار با یکدیگر ترغیب کند. بازیگران اروپایی پس از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، فارغ از اینکه چه کسی در انتخابات پیروز می شود، باید بلافاصله تلاش های سیاسی در سطوح بالا را برای ترغیب ایران به متوقف کردن و عقب نشینی از برنامه هسته ای ترغیب کنند. احتمال موفقیت چنین تلاش هایی تنها در صورتی وجود خواهد داشت که بازیگران اروپایی به طور موفقیت آمیز آمریکا را به تسهیل معنادار تحریم ها و داشته باشند. اگر اروپا بتواند این کار را به درستی انجام دهد، آنگاه می تواند در فاصله انتخابات ریاست جمهوری در ایالات متحده و ایران یک گشایش دیپلماتیک ایجاد کند. چنین گشایشی حتی می تواند بر نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ایران و نتیجه



انتخابات تاثیر بگذارد. مراکز قدرت میانه رو در ایران در حال حاضر در فضای سیاسی داخلی ضعیف شده، اما کامل عقب نشینی نکرده اند. دولت های اروپایی باید در مدت زمان باقی مانده از ریاست جمهوری روحانی هرچه در توان دارند برای یافتن گزینه های دیپلماتیک با نیروهای میانه رو به کار گیرند و اساس روندی سیاسی را آماده سازند تا در دولت بعدی در ایران بتوانند این روند را دنبال کنند.

رقابت بر سر حل مشکلات

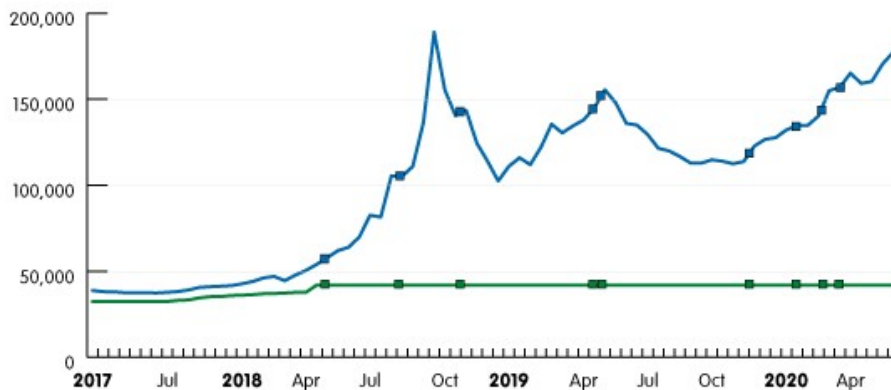
رهبران ایران در حال حاضر با سه مساله اساسی مواجه هستند که به طور مستقیم با منافع اروپایی ارتباط دارند. اولین مساله به چگونگی نجات اقتصاد و نقشی که غرب باید در این زمینه ایفا کند، مربوط می شود. دومین مساله حول این محور می چرخد که آیا ایران به ویژه پس از ترور سردار سلیمانی، فرمانده نیروی قدس، باید با ایالات متحده وارد دیپلماسی از هر نوع آن بشود یا خیر. سومین مساله هم بر این موضوع تمرکز دارد که آیا ایران می تواند از منافع خود در منطقه از طریق ابزارهای دیپلماتیک محافظت کند، یا برای این کار به رویکرد نظامی تهاجمی نیاز است. دولت های اروپایی که امیدوارند بتوانند ایران را به مشارکت در روندی دیپلماتیک ترغیب کنند، باید به خوبی مناظرات داخلی در ایران درباره مسائل فوق را زیر نظر بگیرند.

نجات اقتصاد

امروز، مساله اصلی پیش روی رهبران ایران به چگونگی احیای اقتصاد کشور مربوط می شود. جدای از مدیریت ضعیف اقتصاد کشور، کارزار اعمال فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ نیز به شدت به ایران آسیب رسانده است. در حالی که ایران هنوز با مشکلات ناشی از اعمال مجدد تحریم ها توسط آمریکا دست و پنجه نرم می کرد، به ناگاه مجبور شد به فشارهای ناشی از سقوط قیمت نفت نیز رسیدگی کند و با آسیب های بحران کووید ۱۹ بر چشم انداز رشد مواجه شود. انتظار می رود اقتصاد ایران امسال ۵.۳ درصد کوچک تر شود. تظاهرات های احتمالی و ناآرامی های جدید می تواند شرایط اقتصادی را به چالشی اساسی برای کل نظام جمهوری اسلامی تبدیل کند؛ به ویژه اینکه تهران احساس می کند واشنگتن با هدف فروپاشی در ایران به ناآرامی ها دامن می زند. ایران اکنون نیازمند تزریق پول به بخش های اشتغال زا نیاز دارد و این در حالی است که نه امکان تجارت آزاد را دارد و نه افزایش سرمایه.

در رابطه با اینکه ایران چه باید بکند، دو تفکر مختلف وجود دارد. نوگرایان و برخی از محافظه کاران سنتی از رویکرد صنعت گرایی مدرن حمایت می کنند که مبتنی بر چشم انداز اقتصادی است که در آن ایران تحت فشار تحریم ها نباشد و خصوصی سازی و سیاست های نولیبرال را پیش ببرد. طبق توضیحات یک کارشناس اقتصادی، این الگو بر مبنای این تفکر شکل گرفته است: ایران تنها زمانی می تواند به پتانسیل های خود به عنوان یک قدرت اقتصادی منطقه ای دست یابد که اقتصاد خود را به روی سرمایه گذاری و فناوری خارجی بگشاید. یک کارشناس دیگر هم این رویکرد را یک دیدگاه اول اقتصاد برای ایران توصیف کرده که به نوعی می توان آن را نمونه اسلامی شیوه دنگ در چین توصیف کرد. این رویکرد اولین مرتبه در دولت هاشمی رفسنجانی به اجرا گذاشته شد.

Exchange Rate: Iran rial (IRR) to US dollar (USD), 2017-2020



8 May 2018: US JCPOA withdrawal
6 Aug 2018: US implements first wave of sanctions
5 Nov 2018: US implements second wave of sanctions
2 May 2019: US waivers for Iranian oil trade expire
8 May 2019: Iran gives notice on periodic JCPOA withdrawal

15 Nov 2019: Fuel hikes trigger protests in Iran
3 Jan 2020: Qassem Soleimani killed in US attack
Feb 2020: First publicly reported covid-19 case in Iran
Mar 2020: Oil prices fall to historic lows

Official Rate Free Market Rate

Source: Free market exchange rate: Bonbast.com | Official exchange rate: xe.com



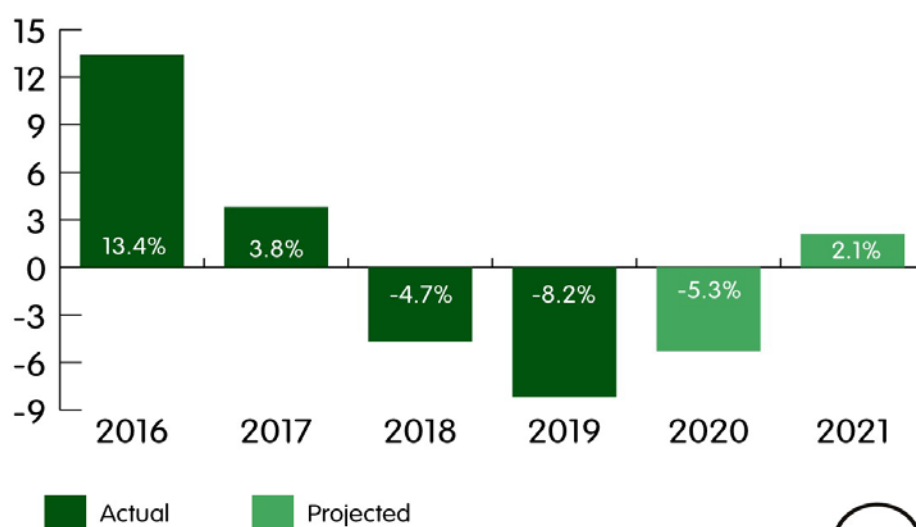
نوگرایان اعمال مجدد تحریم های ایالات متحده و کارزار اعمال فشار حداکثری را عامل سقوط اقتصادی ایران می دانند. دولت روحانی با اشاره به کاهش تجارت هشدار داد حتی کشورهای دوست نیز که وعده داده بودند تحریم های یکجانبه ایالات متحده را به چالش خواهند کشید، همچون ترکیه و چین و روسیه، از خرید نفت ایران بیم دارند. به همین دلیل هم آنها به دنبال کسب اطمینان از تسهیل تحریم ها از طریق دیپلماسی هستند. چنین امری امکان دریافت درآمد حاصل از صادرات نفت و فرآورده های پتروشیمی، دسترسی به بازارهای مالی و سرمایه گذاری بین المللی و دسترسی به میلیاردها دلار ذخایر بلوکه شده در بانک های خارجی را برای ایران فراهم خواهد آورد.

در همین حال، اصول گرایان و محافظه کاران رویکرد موسوم به چارچوب اقتصاد مقاومتی را ترجیح می دهند. این رویکرد بر کاهش آسیب پذیری اقتصاد ایران در برابر فشارهای خارجی از طریق مدیریت ارتقا یافته، افزایش تولیدات داخلی، و تکنیک های طراحی شده برای دور زدن تحریم ها تمرکز دارد. طرفداران این رویکرد این بحث را مطرح می کنند که ایران باید سطح روابط تجاری خود با همسایگان نزدیک و با روسیه و چین را افزایش دهد. چنین رویکردی به ویژه با کاهش تعهدات سیاسی بازیگران غربی طرفداران بیشتری پیدا می کند.

طرفداران الگوی اقتصاد مقاومتی دولت روحانی را به دلیل قرار دادن همه تخم مرغ ها در سبد تسهیل تحریم های ایالات متحده با حصول برجام، ضعیف و ساده اندیش می خوانند. آنها اساساً اهمیت زیادی به تحریم های آمریکا نمی دهند؛ ترجیح می دهند به جای تسلیم شدن در برابر فشار غربی، تدابیر تحریمی را دور بزنند. از

دیدگاه اصول‌گرایان و محافظه‌کاران، تجربه برجام نشان داد که دیپلماسی نمی‌تواند به هیچ‌گونه تحول بزرگ اقتصادی برای ایران بینجامد و قائل شدن امتیازات تنها به نفع غرب تمام خواهد شد. بر همین اساس، اعضای اصول‌گرای شورای ... در ژانویه ۲۰۲۰ به طور موفق مانع از تصویب تدابیر اف‌ای‌تی‌اف شدند و این در حالی بود که لوایح مربوط به آن در سال ۲۰۱۸ توسط مجلس تصویب شده بودند. همانطور که یک کارشناس نزدیک به جناح اصول‌گرا توضیح داده، موضع این جناح این است که ایران نباید مطابق نقشه راه اف‌ای‌تی‌اف، صورت حساب‌های خود را برای موسسات غربی به نمایش بگذارد؛ نه در زمانی که برای دور زدن تحریم‌های آمریکا به حفظ کانال‌های ارتباطی خود نیاز دارد.

Annual GDP percentage change in Iran, 2016-2021



Source: World Bank



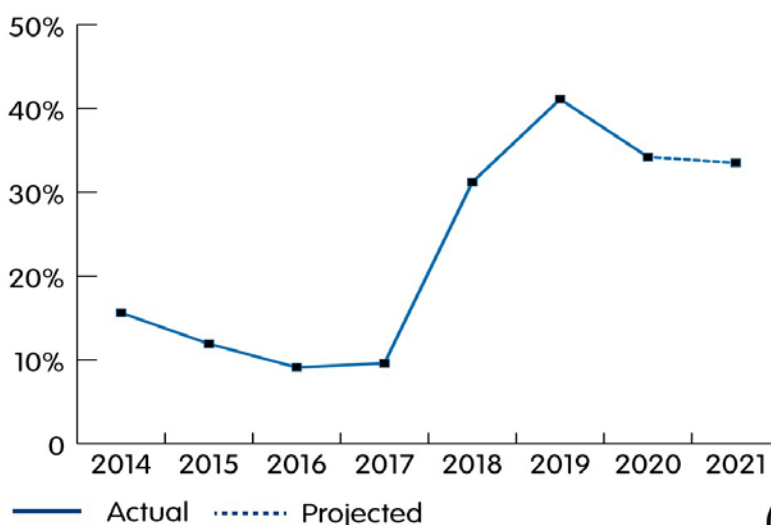
برخی حامیان الگوی اقتصاد مقاومتی حتی باور دارند که آسیب تحریم‌ها به ایران کمتر از ادعای نوگرایان بوده است: گروهی از اصول‌گرایان روحانی را به غلو کردن درباره تأثیرات تحریم‌ها در تلاش برای از سرگیری مذاکرات با ایالات متحده محدود کرده‌اند و مسائل اقتصادی را سیاسی خوانده‌اند. برخی طرفداران الگوی اقتصاد مقاومتی این اقتصاد را بیان ارزش انقلابی، در اولویت قرار دادن افراد فقیر و ایجاد شبکه امنیتی برای آنهایی که در رژیم شاه نادیده گرفته شده بودند، می‌دانند. بیرون نگه داشتن سرمایه‌گذاری‌های غرب از ایران نیز با اهداف انقلابی در مواجهه با امپریالیسم همخوانی دارد. برخی از اصول‌گرایان تندرو حتی از چارچوب اقتصاد مقاومتی و سلطه خود بر دستگاه قضایی برای حمله به نوگرایان و متهم کردن آنها به نخبه‌گرایی و فساد استفاده و خودشان را ارائه‌کنندگان مدیریت جهادی لازم برای اداره کشور معرفی می‌کنند.

رهبر معظم ایران برای سال‌های طولانی از الگوی اقتصاد مقاومتی حمایت کرده و این موضع‌گیری در مواجهه با تحریم‌های ایالات متحده تشدید شده است. او همچنین از تقویت روابط اقتصادی با اقتصادهای شرقی حمایت می‌کند و آنها شرکای قابل اعتمادتری می‌داند که رهبران‌شان تمایل خود را به مقاومت در برابر آمریکا

نشان داده اند. رهبر ایران آسیب های تحریم ها را رد نمی کند، اما معتقد است که ایران نمی تواند منتظر پایان تحریم ها باقی بماند و استراتژی کشور باید روی ایجاد مصونیت در برابر آسیب های چنین تحریم هایی متمرکز باشد. به گفته یک کارشناس اقتصادی، آیت الله خامنه ای به این مساله خوش بین است که زمانی که درهای کشور بسته شوند، سطح تولیدات داخلی در اقتصاد آن بالا می رود و تولید داخلی اشتغال زایی در پی خواهد داشت. رهبر ایران امید دارد که مردم عادی کشور در روزهای دشوار همانند حضور در یک جبهه جنگ از خود مقاومت نشان دهند.

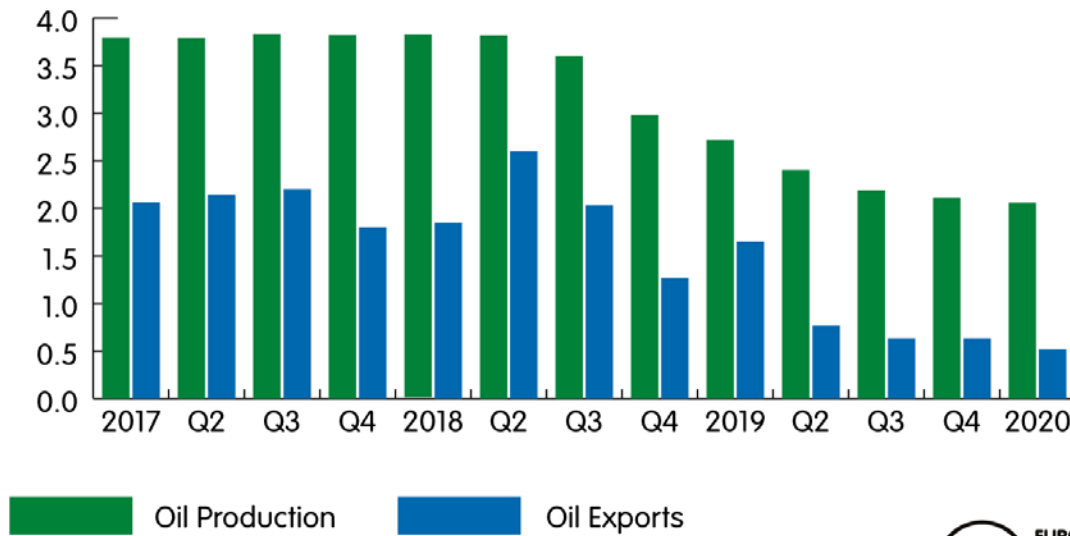
همچنین به نظر می رسد که خامنه ای باور دارد سکوتوکرات ها در بهترین موقعیت برای رهبری الگوی اقتصاد مقاومتی ایران از طریق مشارکت بیشتر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند. یک کارشناس اقتصادی در این باره می گوید با توجه به تلاش های شکست خورده برای تسهیل تحریم ها، رهبر معظم ایران اکنون ریشه راه حل های اقتصادی را در اقدامات سپاه می داند و نیروهای نظامی را به ورود به زمینه های تولیدی ترغیب کرده است. یک کارشناس اقتصادی دیگر هم معتقد است که رهبر ایران به صنعت گراهای نوین که بسیاری از آنها ارتباطاتی در خارج دارند، ظن دارد: «سپاه پاسداران و رهبر معظم ایران خود را مالکان اقتصاد و دیگران را مهمان می دانند. سپاه پاسداران برای کشور خون داده و وقتی شرایط وخیم شده، اسباب خود را جمع نکرده از کشور برود.» سکوتوکرات ها مبتنی بر همین تفکر شبکه وسیع اقتصادی ایجاد کرده اند که در محیط تحریمی گسترده تر شده است. اندکی پس از اجرایی شدن برجام، نوگرایان تلاش کوتاه مدت و نسبتاً موفقیت آمیزی را برای افزایش کنترل تکنوکرات ها بر اقتصاد آغاز کردند. با این حال، بازگشت تحریم های ایالات متحده و خروج سرمایه گذاران خارجی از ایران فرصت های جدید اقتصادی برای سپاه پاسداران به ویژه در بخش های انرژی و خودروسازی ایجاد کرد.

Inflation rate in Iran in percentage terms, 2014-2021



Source: IMF

Iran oil production and exports since 2017: Million barrels per day



Sources: Oil Production: OPEC | Oil Exports: TankerTrackers



در پی بحران ویروس کرونا، رقابت بر سر اقتصاد بین دو جبهه اصول گرا و نوگرا بار دیگر شدت گرفت. برخی اصول گرایان و سکوتوکرات ها این بحث را مطرح کرده اند که رکود جهانی به معنای نیاز بیشتر به خودکفایی است. رهبر معظم ایران در سخنرانی درباره کووید ۱۹ تاکید کردند «افزایش تولید» باید ادامه داشته باشد. اما دولت روحانی رویکردهای صنعت گرایی مدرن را با شدت بیشتری به اجرا گذاشت، دارایی های عمومی را وارد بازار سهام کرد و تلاش برای دستیابی به صندوق ثروت ملی را افزایش داد و در یک اقدام نادر، از صندوق بین المللی پول ۵ میلیارد دلار وام درخواست کرد.

برخی چهره ها در میان نوگراها درخواست های آشکار خود برای یافتن راهی دیپلماتیک برای ارتباط مجدد کشور با اقتصاد جهانی از طریق تسهیل تحریم ها را با صدای بلندتری مطرح کردند و این درخواست ها را با نیاز به مدیریت رکود اقتصادی ناشی از کووید ۱۹ مرتبط دانستند. با این حال، اخیرا برخی از نوگرایان میانه رو و محافظه کاران سنتی شروع به حمایت از برخی جنبه های الگوی اقتصاد مقاومتی کرده اند. در شرایطی که ارتباطات اقتصادی با غرب کاهش یافته، همسایگان نزدیک ایران برای کارشناسان اقتصادی در جناح نوگرا به ناگاه اهمیت بیشتری از غرب پیدا کرده اند. این مساله به ویژه از زمان بعد از شکست ابتکار عمل امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه، برای تغییر رویکرد دونالد ترامپ در رابطه با تحریم ها و نتیجه ندادن تلاش های اروپایی برای تسهیل مشکلات اقتصادی از طریق «بازار حمایت از مبادلات تجاری (اینستکس)» صادق بود.

شمار فزاینده ای از افراد در دستگاه سیاسی ایران باور دارند که دولت کنونی و آتی ایالات متحده یا اساسا تحریم ها را لغو نمی کند و یا در ازای لغو آنها در صدد گرفتن امتیازات بزرگی از ایران بر می آید که هر گونه

تسهیل اقتصادی و دیپلماتیک غیرممکن می شود. در کل، نوگرایان ارزش بیشتری برای تسهیل تحریم ها و گسترش روابط تجاری با اروپا قائل هستند و عناصر محافظه کارتر در میان اصول گرایان و سکوتوکرات ها تعامل مجدد با غرب را چندان سودمند نمی دانند. در حقیقت، به رغم فشار اقتصادی شدیدی که ایران امسال متحمل شده، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در گزارش های خود احیای اقتصاد ایران در ۲۰۲۱ را پیش بینی کرده اند. اصول گرایان و سکوتوکرات ها احتمالا همچنان تاکید خواهند کرد که ادامه الگوی اقتصاد مقاومتی می تواند ایران را در برابر فشار تحریم های ایالات متحده مقاوم سازد. اگر اصول گرایان در انتخابات ریاست جمهوری سال آتی ایران پیروز شوند، آنگاه مطرح کردن گزینه تسهیل تحریم ها برای کمک به بهبود اقتصاد ایران و ترغیب این کشور به توافق، برای دولت های غربی دشوارتر خواهد شد.

اگر اروپا بخواهد ایران را به شرکت در مذاکرات درباره مسائل امنیتی ترغیب کند، باید این مساله را دریابند که رهبران ایران به دنبال تدابیری برای رشد اقتصادی هستند. بهترین بخت اروپا در تعامل با نوگرایان است. با این حال، در قیاس با دور قبلی مذاکرات در ۲۰۱۳، نوگرایان ایران اکنون توجه کمتری به معافیت از تحریم ها برای فروش نفت نشان خواهند داد و در مقابل، تسهیل آندسته از تحریم های آمریکا که امکان ادغام ایران در بازارهای مالی جهانی را فراهم آورد، برایشان جذاب تر خواهد بود چرا که بدین ترتیب، امکان تزریق بودجه به بخش های اشتغال زا از طریق افزایش سرمایه در بازارهای بین المللی، دسترسی آزادانه به بانکداری بین المللی، واردات فناوری و تجهیزات مورد نیاز برای ارتقا و توسعه تولیدات داخلی برای ایران فراهم می آید.

دیپلماسی با ایالات متحده

در رابطه با مذاکرات مجدد با ایالات متحده (درباره هر موضوعی)، در میان سران و پایگاه های قدرت در ایران اختلاف نظر گسترده ای وجود دارد. گشایش کوتاه دیپلماسی در زمان ریاست جمهوری باراک اوباما در آمریکا ممکن بود بعضا به این دلیل که نوگرایان روندی برای کسب اطمینان از تسهیل تحریم ها را در مواجهه با حملات سیاسی متعدد دیگر گروه ها آغاز کرده بودند. از نظر برخی سکوتوکرات ها و گروه هایی همچون پایداری، پایه سیاست گذاری های ایالات متحده تلاش برای تغییر نظام در ایران است؛ آنها دیپلماسی را ابزاری می دانند که ایالات متحده در تلاش برای تضعیف ایران استفاده می کند. سکوتوکرات ها همچنین باور دارند که بروز درگیری با یک قدرت خارجی می تواند به معنای مشروعیت تقویت عناصر نظامی داخلی باشد.

با خروج ایالات متحده از برجام در سال ۲۰۱۸ نوگرایان توانستند رهبری ایران را به اتخاذ رویکرد صبر استراتژیک ترغیب کنند و همچنان به توافق هسته ای متعهد بمانند. آن زمان توانستند چنین کاری انجام دهند به این دلیل که مشخص نبود تحریم های یکجانبه ایالات متحده چقدر می تواند به اقتصاد ایران آسیب بزند و مشخص نبود آمریکا تا چه اندازه کارزار اعمال فشار حداکثری را پیش خواهد برد. این موضع گیری یک سال دوام آورد و ایران در این مدت به طور کامل به تعهدات هسته ای خود عمل و در اقدامات نظامی احتیاط پیشه کرد. با این حال، نوگرایان در ماه مه ۲۰۱۹ که ایالات متحده تحریم هایی با هدف افزایش هزینه صادرات نفتی علیه ایران اعمال کرد، قافیه را باختند. در آن زمان، سکوتوکرات ها و اصول گرایان قدرت بیشتری در

تصمیم گیری ها به دست آوردند و به طور موفقیت آمیز در جهت رویکرد تقابلی گام برداشتند که توسعه برنامه هسته ای، انهدام یک پهپاد آمریکایی و حملات موشکی به پایگاه مفر نیروهای آمریکایی در عراق را شامل می شد.

بیشتر نوگرایان و اصول گرایان سنتی همچنان از موضع کاهش تنش و مذاکره با واشنگتن حمایت می کنند. آنها سعی کرده اند حتی در میانه افزایش تنش های نظامی با ایالات متحده در یک سال گذشته باز هم فضا را برای دیپلماسی مهیا کنند. برای نمونه، روحانی و لاریجانی بارها اعلام کردند که اگر آمریکا تحریم ها را برچیند و به برجام بازگردد، ایران برای مذاکره آماده خواهد بود. در عمل، نوگرایان تمایل خود را به پذیرش حتی نوعی تسهیل موقت تحریم های آمریکا به جای بازگشت ترامپ به برجام، به مثابه پیشنهاد آتش بس امانوئل ماکرون، نشان داده اند. پس از تلاش های ناموفق متمادی برای بازنگری در پیشنهاد شروع دیپلماسی با دولت ترامپ، نوگرایان ایران دیگر امید خود را به امکان پیشرفت دست کم تا زمانی که آمریکا ایران را به تسلیم شدن نزدیک می داند، از دست داده اند.

با این حال، ذهنیت «مجموع، صفر» ایالات متحده نوگرایان را به اتخاذ موضع متحدتر علیه آمریکا بعضا برای حفظ جایگاه خودشان در نظام جمهوری اسلامی وا داشته است؛ البته یکی دیگر از دلایلش هم این است که رهبران ایران اصلا نزدیک به سقوط نیستند. اقدام آمریکا به زدن برچسب سازمان تروریستی خارجی به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۱۹ قانونگذاران اصلاح طلب پیشرو را به حضور در مجلس با لباس سپاه به نشانه اتحاد ترغیب کرد. حتی اکنون هم شمار فزاینده ای از نوگرایان هستند که از خروج ایران از توافق هسته ای و حتی پیمان منع گسترش تسلیحات هسته ای حمایت می کنند. به طور مشابه، ترور سردار سلیمانی توسط سپاه دست نوگرایان را در اعتراض به واکنش نظامی بست. یکی از کارشناسان این جناح در این باره گفت: «ترامپ برای ما چاره ای جز واکنش متقابل باقی نگذاشت.»

تنش های نظامی از سال گذشته و زدن برچسب گروه تروریستی به سپاه پاسداران تا ترور سردار سلیمانی در عراق سبب شدند یکی از مشاوران ارشد در جناح نوگرا این بحث را مطرح کند که زمان برای مذاکره با ترامپ مناسب است چرا که ایران موضع خود را از طریق نمایش معتبر قدرت و ابراز آمادگی برای جنگ نشان داده است. یک چهره ارشد در جناح نوگرا ابراز نگرانی کرده که هر گونه تشدید تنش نظامی در آینده تنها به معنای دعوت از شمار بیشتر نیروهای آمریکایی در خاورمیانه خواهد بود و مخاطره درگیر شدن ایران در یک جنگ متعارف با برتری نظامی آمریکا را در پی خواهد داشت. نوگراها در جاهایی همچون افغانستان و عراق سعی کرده اند ایران را مجددا روی اعمال نفوذ بر عوامل محلی متمرکز کنند تا تلاش های سیاسی خود برا خارج شدن نیروهای آمریکایی را به نتیجه برسانند. این رویکرد با اظهارات اخیر رهبر معظم ایران درباره اینکه آمریکا از سوریه و عراق اخراج خواهد شد، همخوانی دارد.

صداهای پر قدرت تر در میان سکوروکرات ها و اصول گرایان همچنان با هر گونه مذاکره با آمریکا مخالف هستند. محمدرضا نقدی، از مقامات ارشد سپاه پاسداران، این دیدگاه را اینطور خلاصه کرد: «ترور سردار سلیمانی نتیجه گفت و گو با ایالات متحده بود. هر زمانی که با دشمن به زبانی غیر از مقاومت سخن گفتیم، آنها به ما ضربه زدند.» این حمله مناظرات شدید داخلی را در پی داشت. پس از ترور سردار سلیمانی جناح اصول گرا جواد ظریف را در پی مصاحبه او با در اَشپیگل مورد انتقاد قرار دادند؛ ظریف در این مصاحبه گفته بود اگر آمریکا موضع خود را تغییر دهد، دیپلماسی همچنان از گزینه های روی میز خواهد بود. یک استراتژیست نظامی و از اعضای پیشین سپاه پاسداران در این باره گفت: «دولت روحانی به خون سلیمانی خیانت می کند.» به طور مشابه، دیدار ظریف با یک سناتور آمریکایی در ماه فوریه نیز انتقادهای گسترده رسانه های نزدیک به جناح اصول گرا را در پی داشت و روزنامه های نزدیک به دفتر رهبری این دیدار ظریف را توهینی به ملت ایران توصیف کردند.

با این حال، نمی توان گفت همه سکوروکرات ها و اصول گرایان با مذاکره با ایالات متحده مخالفند. یکی از کارشناسان نزدیک به جناح اصول گرا معتقد است برخی از اعضای این جناح ایده گفت و گو با ایالات متحده تحت شرایط خودشان و ریاست جمهور دیگری غیر از روحانی را رد نمی کنند. به طور مشابه، برخی اطلاعات منتشر شده حاکی از آن است که سپاه پاسداران با چراغ سبز رهبر معظم ایران به یک سری توافق های انتقالی با ایالات متحده در عراق و افغانستان دست یافته است.

موضوع واقعی گفت و گوها نیز اهمیت دارد و ملاحظات قابل توجهی در داخل نظام ایجاد می کند. در سال ۲۰۱۵ که مذاکرات بر سر برجام برگزار شد، آیت الله خامنه ای مذاکره با ایالات متحده بر سر هر موضوع غیرهسته ای را رد، اما تاکید کرد که مذاکرات هسته ای می تواند پیش درآمدی برای مذاکرات بعدی باشد. یک تحلیلگر سیاسی ایران شرایط را اینطور توصیف کرد: رهبر ایران خواستار مواجهه نظامی با ایالات متحده نیست و از شرایطی که ایران را به یک کشور غیرطبیعی تبدیل ساخته رضایت ندارد. آیت الله خامنه ای می دانست برنامه هسته ای بهترین راه برای مذاکره با ایالات متحده به جای مسائل داخلی یا منطقه ایست که حل و فصل آنها بسیار دشوارتر است. اگر توافق هسته ای به شکل اولیه آن دوام می آورد، آنگاه مذاکرات آتی با ایران می توانست بر سر مسائل منطقه ای باشد. زمانی که توافق حاصل شد، ظریف تاکید کرد که برجام یک سقف نیست بلکه شالوده ای مستحکم است که می توان دیپلماسی آتی را روی آن ساخت. اما روی برگرداندن ترامپ از توافق ظن رهبر ایران درباره مذاکره با ایالات متحده را تشدید و فضای نوگرایان برای مانور را محدود کرد.

موضع گیری کنونی رهبر معظم ایران این است که نه جنگ و نه مذاکره با ایالات متحده، هیچکدام را نمی خواهد. رهبر ایران حملات نظامی علیه آمریکا را تایید کرده، اما این صرفا پوششی برای نوگرایان در تلاش هایشان برای یافتن گزینه های دیپلماتیک از جمله تبادل زندانی ها، بوده است. بسیاری از تحلیل گران معتقدند که آیت الله خامنه ای به طور تمام و کمال با مذاکره بین تهران و واشنگتن مخالف نیست، اما گفت

و گو در شرایط کنونی می تواند به معنای تسلیم باشد و رهبر ایران ترجیح می دهد منتظر پایان ریاست جمهوری ترامپ بماند تا کشورش بتواند در شرایط بهتری وارد مذاکره شود.

بر خلاف تصورات دولت ایالات متحده، ایران تنها در شرایطی به مذاکره با آمریکا تمایل خواهد داشت که به طور نسبی در موضع قدرت باشد. رهبر ایران در یک سخنرانی در فاصله اندک زمانی از ترور سردار سلیمانی تاکید کرد ملت ایران هیچ راهی غیر از قدرتمند شدن ندارد. اگر ایران بتواند در شرایط بهتری مذاکره کند، و دست کم بتواند به تضمینی برای تسهیل تحریم ها دست یابد و نفوذ خود را در منطقه تثبیت کند و امتیازات ارزشمندی از ایالات متحده در رابطه با تسهیل تحریم ها بگیرد، مذاکره خواهد کرد تا این برداشت کلی وجود نداشته باشد که در برابر فشارهای آمریکا سر خم کرده است. در حقیقت، تهران و واشنگتن در سال ۲۰۱۳ مذاکرات خود را در شرایطی آغاز کردند که ایران سال پیش از آن در پی تحریم های دولت باراک اوباما یک رکود شدید را پشت سر گذاشته بود. اما در سال ۲۰۱۳ ایران شاهد بهبود شرایط اقتصادی خود بود و دولت ایالات متحده نیز تمایل خود را به پذیرش خواسته ایران مبنی بر غنی سازی اورانیوم در خاک خودش نشان داد.

هرچه دولت ترامپ بیشتر بر اعمال فشار حداکثری تاکید کند، نوگرایان کمتر قادر به سینه سپر کردن برای تعامل با واشنگتن خواهند بود. آنها تنها در صورتی که بتوانند بازده اقتصادی را تضمین کنند، برای روابط با غرب تلاش خواهند کرد. امتناع روحانی از برداشتن گامی بی سابقه برای دیدار با ترامپ، اتفاقی که رئیس جمهوری آمریکا بارها تمایل خود را به آن ابراز کرده، به احتمال زیاد به دلیل مشاهده نتیجه های مذاکرات آمریکا و کره شمالی و عدم حصول نتیجه ملموس از جمله تسهیل تحریم ها به رغم عکس های یادگاری ترامپ و کیم جونگ اون، بود. اگر دولت آمریکا تمایل خود را به اقدام برای رفع مشکلات اقتصادی ایران نشان می داد، احتمال اینکه رهبر معظم انقلاب اسلامی به دولت روحانی اجازه دهد با واشنگتن وارد مذاکره شود، افزایش می یافت. هر گونه گفت و گوی اینچنینی فعلا صرفا بر مساله هسته ای متمرکز خواهد بود. پس از ترور سردار سلیمانی، مذاکرات دو جانبه با ایالات متحده احتمالا همچنان در ایران یک تابو خواهد ماند و یک چارچوب چندجانبه که شامل روسیه، چین و اروپا باشد، واقع بینانه ترین گزینه ایست که امکان مذاکرات بین ایران و آمریکا دست کم در فاصله زمانی کوتاه را فراهم می آورد.

امنیت منطقه ای

ایران در چند دهه گذشته با چالش های بیشماری در خاورمیانه از جمله جنگ با عراق در دوران صدام حسین، تهدیدهای مداوم ارتش آمریکا از پایگاه هایی در همسایگان عرب خود و حملات داعش، مواجه بوده است. ایرانی ها شاهد تلاطم و آشفتگی فزاینده در خاورمیانه و تلاش های عراق و افغانستان برای برقرار کردن نظم و ثبات پس از مداخلات نظامی ایالات متحده در این کشورها در اوایل دهه ۲۰۰۰ بودند. مقامات ایران در فضای داخل خود را محافظان بی قید و شرط کشور در برابر حملات ایالات متحده و اسرائیل و محافظان اکثریت جمعیت شیعه ایران از گروه های افراطی سنی، می دانند. ایران برنامه موشکی گسترده ای دارد که

مقامات این کشور به دنبال تجربه جنگ ایران و عراق، آن را اقدامی عمدتاً دفاعی می خوانند. ایران همچنین مداخله خود در درگیری های خارجی از جمله در سوریه و پشتیبانی از حزب الله در لبنان را تحت روایت «دفاع جسورانه» و ممانعت از رسیدن دشمنان به مرزهای ایران توضیح می دهند.

کارزار اعمال فشار حداکثری ایالات متحده و روابط روز افزون دشمنان منطقه ای ایران مانند عربستان سعودی و اسرائیل سبب شده گروه های سیاسی مختلف در ایران در این زمینه به توافق برسند که برای کاهش تهدیدهای خارجی لازم است در یک جبهه متحد باشند. اگرچه ترجیحات و تاکتیک ها ممکن است متفاوت باشند، اما همه گروه های سیاسی در ایران یک دستورکار استراتژیک مشابه را دنبال می کنند: آنها به دنبال کاهش حضور نظامی ایالات متحده در منطقه، مقابله با تهدیدهای گروه های افراطی سنی، بازدارندگی در برابر حملات احتمالی ایالات متحده و اسرائیل، و جلوگیری از شکل گیری جبهه متحد ضد ایرانی در جهان عرب هستند. نوگرایان برای دستیابی به این اهداف به دیپلماسی و توافق روی می آورند و سکوروکرات ها و اصول گرایان ابزار نظامی را انتخاب می کنند.

نوگرایان در سال های اخیر برای پیشبرد اهداف اصلی منطقه ای کاهش حضور نظامی ایالات متحده در منطقه، مقابله با تهدیدهای گروه های افراطی سنی، بازدارندگی در برابر حملات احتمالی ایالات متحده و اسرائیل، و جلوگیری از شکل گیری جبهه متحد ضد ایرانی در جهان عرب، در درجه اول روی تماس های دیپلماتیک با عراق و اعضای شورای همکاری خلیج فارس متمرکز شده اند. این، دیپلماسی تسهیل شده توسط کویت بین ایران و عربستان سعودی در سال های ۲۰۱۶-۲۰۱۷، پیشنهاد سال گذشته جواد ظریف درباره ایجاد یک چارچوب جدید امنیتی منطقه ای بر اساس قطعنامه سازمان ملل متحد که به جنگ ایران و عراق پایان داد، و پیشنهاد سال ۲۰۱۹ روحانی برای «تلاش برای صلح هرمز» را شامل می شود. با این حال، هیچ یک از این ابتکارعمل ها نتوانستند به یک گشودگی سیاسی معنی دار در روابط تهران و ریاض ایجاد کنند. این امر تا حدودی به دلیل مخالفت ایالات متحده و بن بست در برقراری رابطه با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، بوده است که هر دو معتقدند با توجه به فعالیت های سپاه پاسداران در منطقه و تمایل آن به صدور انقلاب اسلامی، تعامل با نوگرایان در ایران فایده ای نخواهد داشت.

از این رو، نوگرایان نتوانستند نشان دهند که دیپلماسی می تواند مشکلات ایران را با همسایگان عرب آن حل کند. نوگرایان تا پیش از اینکه ترامپ رئیس جمهوری آمریکا شود، مبتنی بر همین استدلال باور داشتند که بهترین راه برای جلوگیری از درگیری نظامی با آمریکا یا اسرائیل دستیابی به تفاهم سیاسی با واشنگتن بر سر مسائل هسته ای است. با این حال، تحولات اخیر در کاخ سفید در زمینه سیاست گذاری ها در قبال ایران نشان دادند که برجام نتوانسته سایه جنگ را از بین ببرد. در حقیقت، حملات نظامی علیه نیروهای ایرانی در یک سال گذشته افزایش یافته به طوری که اسرائیل آشکارا ادعا کرده مواضع سپاه در سوریه را هدف قرار داده است؛ ایالات متحده هم آشکارا با ترور سلیمانی در صدد وارد آوردن ضربه ای شدید به ایران برآمده است.

صدای های حاکم در میان سکوروکرات ها اینطور استدلال می کنند که ایران باید از قدرت سخت برای پیشبرد اهداف منطقه ای خود استفاده کند. باور آنها این است که حملات مستقیم و محاسبه شده علیه دشمنان ایران می تواند از درگیری های بیشتر جلوگیری کند. سپاه پاسداران از آغاز کارزار اعمال فشار حداکثری آمریکا علیه ایران بارها هشدار داده: «اگر یکی از کشورهای عربی در منطقه مرتکب اشتباهی شود و به ما حمله کند، موشک های ما به همه پایگاه های نظامی آنها اصابت خواهد کرد.» ایران سال ۲۰۱۹ به دست داشتن در حملات به نفتکش ها و تاسیسات نفتی «آرامکو» عربستان سعودی متهم شد که البته این اتهامات را رد کرد. با این حال، ظاهراً سازمان ملل در ماه ژوئن در گزارشی اینطور نتیجه گیری کرده که سلاح های استفاده شده در حمله به آرامکو «ایرانی» بودند.

به رغم خسارت ها به اعتبار و حسن شهرت ایران، سکوروکرات ها احتمالاً انتخاب استراتژی خود را اینطور توجیه می کنند که موضع گیری سخت می تواند تمایل آمریکا به جنگ را کاهش دهد. از نظر برخی از سکوروکرات ها، چنین تاکتیک هایی همچنین می توانند راه را برای دیپلماسی منطقه ای هموار کنند. از زمان حملات سال ۲۰۱۹ در منطقه که عامل آنها مشخص نبودند، مقامات سعودی و اماراتی همه تلاش خود را به کار گرفتند تا ایران را تحریک نکنند. امارات متحده عربی حتی کانال های سیاسی و امنیتی با ایران باز و در اوج همه گیری کووید-۱۹ کمک های بشردوستانه به ایران ارسال کردند. عربستان سعودی هم با هدف کاهش تنش ها با ایران در چندین ابتکار عمل وارد شد.

بر خلاف ترجیح مشخص نوگرایان به تعامل با بازیگران دولتی برای ایجاد پیشرفت دیپلماتیک، نظامی گرایان برقراری روابط نزدیک با گروه های شبه نظامی در خارج از کشور برای استفاده از قدرت جنگ نامتقارن علیه دشمنان ایران را گزینه بهتری می دانند. سپاه پاسداران به سادگی توانایی وارد شدن در صحنه های درگیری در لبنان، عراق، سوریه و یمن برای بسیج گروه های محلی در این کشورها را دارد. این شرایط به قدرت بازدارندگی ایران در برابر دشمنان آن مانند اسرائیل و عربستان سعودی کمک کرده است.

از سال ۲۰۱۴ که داعش شروع به پیشروی در عراق کرد، نیروهای قدس درباره روابط خود با گروه های شبه نظامی آشکارتر عمل کردند. پس از حمله ایران به نیروهای آمریکایی در پایگاه عین السد در عراق، یک فرمانده ارشد سپاه پاسداران در یک نشست مطبوعاتی با پرچم های گروه های مختلف شبه نظامی در پشت او، گفت که این تصمیم در نتیجه اجماع کامل مسئولان و گروه های مقاومت گرفته شده است. در میان سیل های گسترده سال ۲۰۱۹ و شیوع کووید-۱۹، بسیاری از رسانه ها تصاویر تلاش های امدادی نیروهای شبه نظامی را به نمایش گذاشتند و به نوعی، این بحران ها به فرصتی برای سکوروکرات ها برای نشان دادن نتیجه بخشی سرمایه گذاری های منطقه ای آنها تبدیل شدند.

در رابطه با تحقق و محافظت از منافع منطقه ای، نوگرایان به راه حل های دیپلماتیک اعتقاد دارند و برخی از آنها به شدت نگران هزینه های اقدامات نظامی در منطقه و نزدیکی به گروه های شبه نظامی منطقه ای برای

اعتبار و حسن شهرت ایران هستند. در بسیاری موارد، آنها در برابر رویکرد نظامی گرایان و اصول گرایان افراطی مبنی بر استفاده از جنگ افزار نامتقارن در مواجهه متعارف با اسرائیل و ایالات متحده ایستاده اند. در هر گونه درگیری اینچنینی به ویژه اگر مخاطره اشتباه محاسباتی وجود داشته باشد، ایران در موقعیت مناسبی نخواهد بود. این مساله به ویژه در هدف گرفتن اشتباهی هواپیمای مسافربری اوکراینی و اشتباه اخیر در جریان رزمایش نظامی که به کشته شدن ۱۹ افسر نیروی دریایی منجر شد، به وضوح آشکار گشت. با این حال، سکوروکرات های اصول گرا از یک درگیری آشکار بیشتر استقبال می کنند که از نمونه های آن می توان به حمله موشکی اخیر سپاه پاسداران ایران به پایگاه عراقی مقر نیروهای آمریکایی اشاره کرد.

برنامه موشکی ایران یک مساله اساسی است. دسترسی ایران به سلاح های متداول در نتیجه تحریم های بین المللی بسیار محدود و تجهیزات نیروی هوایی نیز قدیمی است و این امر باعث می شود بیشتر نخبگان حاکم برنامه موشکی را حداقل مؤلفه دفاع ملی بدانند. مقامات ایرانی بارها تاکید کرده اند که برد موشک های ایران ۲۰۰۰ کیلومتر است. و به گفته مقامات غربی، ایران یکی از پیشرفته ترین سامانه های موشکی در خاورمیانه را دارد. ظریف یکی از مدافع همیشگی حفظ این برنامه بوده است؛ در دولت روحانی، ایران حملات موشکی گسترده ای علیه داعش در سوریه، جدایی طلبان کرد در عراق، یک هواپیمای بدون سرنشین ارتش آمریکا و پایگاه عین السد انجام داده است. مخالفان ایران همچنین این کشور را به انتقال فناوری و تجهیزات موشکی به حزب الله لبنان و بازیگران در عراق متهم کرده اند و بنا به گزارش سازمان ملل متحد، موشک های پرتاب شده توسط حوثی ها علیه عربستان سعودی در سال ۲۰۱۷ ویژگی های طراحی موشک های تولیدی در ایران را داشتند.

مباحثات میان مراکز قدرت در ایران درباره توسعه برنامه موشکی و تعامل آن با مسیر دیپلماتیک اساسا در جریان مذاکرات هسته ای و اندک زمانی پس از آن شدت گرفت. روحانی در سال ۲۰۱۴ با گفتن اینکه قدرت ایران فقط از «موشک ها و اسلحه های نظامی» ناشی نمی شود و تاکید بر اهمیت تلاش های اقتصادی، آتش مناقشات با اصول گرایان و سکوروکرات ها را روشن کرد. آیت الله هاشمی رفسنجانی هم بلافاصله پس از توافق هسته ای با توثیق «جهان آینده دنیای گفتمان است، نه موشک» خشم و ناآرامی را در میان سکوروکرات ها و گروه پایداری برانگیخت. این شکاف بار دیگر در سال ۲۰۱۷ در میانه مباحثات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری و زمانی آشکار شد که روحانی ادعا کرد سپاه در هنگام پرتاب آزمایشی یک موشک برای خرابکاری در برجام شعار «اسرائیل باید از صحنه روزگار حذف شود» را چاپ کرده است.

موضع رهبر معظم ایران در این زمینه کاملا روشن است. او معتقد است ارتباط مستقیمی بین موشک ها و امنیت وجود دارد. آیت الله خامنه ای بارها موشک های ایران را به عنوان منبع قدرت توصیف و مرتبا از دقت و دامنه آنها تقدیر کرده و ارتقاء آنها را خواستار ایران شده است. رهبر ایران هر گونه مذاکره درباره موضوع موشک ها را رد می کند؛ او در نوامبر ۲۰۱۹ هشدار داد که اگر ایران وارد چنین مذاکراتی شود، آمریکا ابتدا در صدد محدود کردن دامنه برنامه موشکی و سپس متوقف کردن این برنامه برخواهد آمد. موضع اعمال فشار

حداکثری آمریکا و افزایش تنش های نظامی در منطقه باعث شده رهبر ایران به موشک های این کشور بیشتر اتکا کند.

روحانی سال گذشته به صراحت از سرنگونی یک پهپاد آمریکایی تمجید کرد و گفت موشک های استفاده شده در آن عملیات در دوران ریاست جمهوری او تولید شده اند. پس از ترور سردار سلیمانی، یک نماینده ارشد ایران از طیف اصلاح طلبان تاکید کرد ایران هیچ دلیلی برای مذاکره درباره موشک های خود ندارد و هشدار داد: «به طرف های اروپایی توصیه می کنم ما را به سمتی سوق ندهند که مجبور نشویم کار روی موشک های دوربرد را از سر بگیریم.»

فارغ از هر گونه جناح بندی سیاسی، موضع گیری منطقه ای و برنامه موشکی ایران کاملاً با درک کلی جمهوری اسلامی از توازن قدرت نظامی همخوانی دارد. تا زمانی که کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل همچنان خریداران پیشرو فناوری پیشرفته تسلیحاتی و نظامی باقی بمانند و ایالات متحده به حضور نظامی فعال در نزدیکی مرزهای ایران ادامه دهد، گرفتن امتیاز قابل توجه از ایران در زمینه اقدامات منطقه ای و برنامه موشکی برای غرب بسیار دشوار خواهد بود. ایران پیشتر نشان داده با توجه به نفوذی که روی حوثی ها دارد، می تواند نقش مثبتی در مذاکرات صلح یمن ایفا کند. همچنین اگر آمریکا حقیقتاً نیروهای خود را از همسایگان ایران یعنی عراق و افغانستان و از سوریه خارج کند، ایران هم فعالیت های منطقه ای خود را کاهش خواهد داد.

نوگرایان ایران هم چندین مرتبه پیشنهاد دیپلماسی سطح بالا با همسایگان عرب خود را مطرح کرده اند. در حالی که سکوروکرات ها رویکرد نظامی در منطقه اتخاذ کرده اند، اما این احتمال وجود دارد که آنها یک راه حل منطقه ای مورد تایید رهبر معظم ایران را بپذیرند. شروع یک پروسه دیپلماتیک بین ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می تواند در بلند مدت به چارچوبی بینجامد که تضمین های امنیتی را برای همه بازیکنان خاورمیانه از جمله ایران فراهم آورد.

پیشبرد همکاری دیپلماتیک اروپایی

اولویت اصلی اروپا در رابطه با ایران محدود سازی برنامه هسته ای این کشور و جلوگیری از یک درگیری نظامی در خاورمیانه است. در یک دهه گذشته فرانسه، آلمان و بریتانیا عمدتاً تلاش‌ها در این زمینه را رهبری و در چارچوب ای ۳+۱ اتحادیه اروپا عمل کرده‌اند. از نظر ای ۳ و برخی از دیگر کشورهای اروپایی، فعالیت‌های منطقه ای ایران تهدیدی برای شرکای منطقه ای آنها همچون اسرائیل و عربستان سعودی به شمار می‌رود. همچنین، برخی از کشورهای اروپایی معتقدند که فعالیت‌های ایران بی‌ثباتی در منطقه را تشدید می‌کند.

تلاش‌های اروپایی در زمینه دیپلماسی منطقه ای با ایران تقریباً متوقف شده‌اند. دلیل عمده این مساله هم کارزار اعمال فشار حداکثری ایالات متحده بوده که سبب شده اروپایی‌ها مجدداً روی بازدارندگی برنامه هسته ای ایران متمرکز شوند. در ایران فضای زیادی برای مانور وجود ندارد: نو‌گرایان برای قانع کردن دیگر جناح‌های قدرت در داخل ایران در رابطه با اینکه دیپلماسی همچنان می‌تواند نتایج ملموس داشته باشد، به زحمت افتاده‌اند. رویکرد حداکثری ترامپ در رابطه با تحریم‌ها و ترور سردار سلیمانی دست‌آورد گرایان و طرفداران واکنش‌های مقابله‌ای به موضع‌گیری ایالات متحده و سیاست تحریک‌آمیز آن در خاورمیانه را قوی کرده است. سیاست‌های تحریک‌آمیز آمریکا در منطقه همچنین تضمین‌های اقتصادی و امنیتی که ای ۳ و اتحادیه اروپا می‌توانستند در مذاکرات بر سر مسائل مهم امنیتی به ایران پیشنهاد دهند را نیز محدود کرده است.

مقامات اروپایی منتظر انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده مانده‌اند و آن را زمان تجدید نظر در سیاست‌های ایران می‌دانند. تا آن زمان، بهترین راه برای جلوگیری از بروز بحران بزرگ در رابطه با ایران این است که ای ۳ به تلاش‌های دیپلماتیک فعلی با هدف کاهش فعالیت‌های هسته ای ایران از طریق تلاش برای فراهم آوردن کمک‌های سیاسی و اقتصادی به این کشور ادامه دهند. برای نمونه، ای ۳ می‌تواند به تهدید دولت ترامپ مبنی بر اجرای حق مشاجره طبق قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل متحد، قطعنامه مکمل برجام، و بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران واکنش نشان دهد؛ این تهدیدی است که به پیش از انتخابات ایالات متحده مربوط می‌شود و ای ۳ و اتحادیه اروپا می‌توانند متعهد شوند که اجازه چنین اقداماتی را به ایالات متحده ندهند و از بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران حمایت نکنند. ای ۳ همچنین می‌تواند افزایش کمک‌های بشردوستانه به ایران در واکنش به بحران کووید ۱۹ از طریق کانال‌های سازمان ملل و تجارت با این کشور از طریق اینستکس را در نظر بگیرد.

لازم به ذکر است که اروپا در حال حاضر در موقعیتی نیست که بتواند شرایط موجود را فراتر از ماه نوامبر نگه دارد. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرده فعالیت‌های هسته ای ایران از برجام فراتر رفته‌اند. کشورهای اروپایی نگرانی‌های زیادی دارند مبنی بر اینکه زمان مورد نیاز ایران برای تولید اورانیوم غنی شده به اندازه کافی برای ساخت سلاح هسته ای در صورت ادامه فعالیت‌های هسته ای ایران با سرعت فعلی به طور قابل توجهی کوتاه می‌شود؛ اروپا می‌تواند با ترغیب واشنگتن و تهران به مشارکت در مذاکرات جدید، به طور موثر این

تهدید را مهار کند. دولت های اروپایی و اتحادیه اروپا برای تعیین اهداف خود برای دیپلماسی با ایران پس از انتخابات ایالات متحده باید سه عاملی را که در روند تصمیم گیری ایران نقش دارند، در نظر بگیرند.

مساله اول اینکه نوگرایان که شرکای طبیعی اروپایی ها به شمار می روند اخیرا در رقابت بر سر نفوذ با سکوروکرات ها (نظامی گرایان) و اصول گرایان اعتبار خود را از دست داده اند. اگر در سال ۲۰۱۳ مقامات اروپایی به پیروزی مجدد روحانی در انتخابات و قدرت گرفتن نوگرایان به عنوان اثبات تاثیرگذاری روش های «هویج و چماق» غرب بر سیاست داخلی ایران می نگرستند، اکنون هم باید شکست برجام را عامل پویایی قدرت در جهت عکس آن روند در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۱ ایران بدانند. در چنین سناریویی، دولت های اروپایی احتمالا پس از انتخابات ایران با فضای خصمانه تری در قبال غرب در ایران مواجه خواهند شد و این مساله تعامل با ایران را برای آنها دشوارتر خواهد ساخت.

مساله دوم هم این است که فارغ از اینکه چه کسی و از چه جناحی در انتخابات آتی آمریکا و ایران روی کار آید، سکوروکرات ها در ایران نفوذ قابل توجه خود را در سیاست های منطقه ای و برنامه موشکی ایران حفظ خواهند کرد. آنها همچنان از ترور سردار سلیمانی خشمگین هستند و به طور اساسی با هرگونه دیپلماسی با آمریکا مخالفت خواهند کرد. با این حال، وفاداری آنها به رهبر معظم انقلاب اسلامی به این معناست که اگر آیت الله خامنه ای به مذاکره متمایل باشد، آنها نیز خواهند پذیرفت. اما آنها احتمالا برای تضمین کاهش تهدیدهای خارجی که ایران با آن مواجه است، و دریافت تضمین های اقتصادی، شدت عمل بیشتری نشان خواهند داد.

سومین مساله اینکه اروپایی ها باید بدانند در هر گونه مذاکرات آتی با ایران، اقتصاد برای این کشور اولویت خواهد داشت و موثرترین شیوه برای تاثیرگذاری بر تصمیم گیرندگان در ایران، فراهم کردن راهی برای خروج از بحران اقتصادی کنونی خواهد بود. با این حال، چشم انداز تاریک اقتصاد جهانی در نتیجه شیوع کووید ۱۹ به علاوه پایین آمدن قیمت نفت، می تواند به این معنا باشد که تهران احتمالا در کوتاه مدت نخواهد توانست از مزایای اقتصادی به مثابه زمان نتیجه بخشی برجام استفاده کنند. یکی از کارشناسان اقتصادی برجسته در جناح نوگرایان در شرایطی مرتبط هشدار داده که اگر اصولگرایان حامی الگوی اقتصاد مقاومتی سال آتی قوه مجریه را در دست بگیرند، احتمالا در زمینه اقتصادی تقاضای زیادی از اروپا و آمریکا خواهند داشت و این مساله پیشرفت دیپلماتیک را دشوارتر می کند.

مذاکرات بین ایران و غرب در سال های آتی در صورتی که دو طرف انتظاراتی منطقی داشته باشند، همچنان محتمل خواهد بود. دوره انتقالی از دوره ریاست جمهوری فعلی به دوره بعدی چه در ایران و چه در ایالات متحده می تواند به یک فرصت تبدیل شود. ممکن است رهبر معظم ایران در باقی مانده دوره ریاست جمهوری حسن روحانی تا اوت ۲۰۲۱، قدرت دولت او را در استفاده از کانال های دیپلماتیک با غرب افزایش دهد و این روند می تواند به دولت بعدی انتقال داده شود.

آیت الله خامنه ای در ماه مه گذشته در توثیتی در ابراز احترام قلبی خود به امام حسن به عنوان یک مرد عمل گرا نوشت: «او صلح کرد؛ درست به موقع و پیش از آن که خیلی دیر شود تا راهنمایی برای نسل های بعدی در تاریخ باشد.» این توثیت به علاوه تبادل زندانی ها بین ایران و آمریکا و تلاش های امانوئل ماکرون برای میانجی گری می تواند نشانه ای از «انعطاف پذیری قهرمانانه» رهبر ایران در برابر مذاکرات با غرب باشد. اما تحقق چنین مذاکراتی تا اندازه زیادی به احتمال دستیابی به توافقی عملی و آمادگی ایالات متحده برای گام برداشتن در مسیر تسهیل فشارهای اقتصادی اعمال شده علیه ایران بستگی خواهد داشت.

در همین حال، در دوره دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ یا در صورت روی کار آمدن جو بایدن در ایالات متحده، اروپایی ها می توانند به تنظیم فرمول مجدد سیاست گذاری در قبال ایران کمک کنند. «ای ۳» باید ابتدا دولت و اعضای کنگره بعدی آمریکا را متقاعد کند که ایران، همانطور که در پیش بینی های اخیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مشخص شده، در آستانه فروپاشی اقتصادی نیست و بعید است در برابر اعمال فشار حداکثری تسلیم شود. رهبران ایران رویکرد «مدیریت هرج و مرج» اتخاذ کرده اند و همین رویکرد بوده که امکان دوام آوردن آنها در زمان های دشوار را فراهم آورده است. «ای ۳» باید این مساله را برای ایالات متحده آشکار سازد که رهبران ایران در صورتی که به مزایای متقابل اطمینان داشته باشند، عمل گرا و متمایل به توافق هستند. اما اروپایی ها نباید در پیشنهاد تنظیم مجدد سیاست های آمریکا و ایران انتظارات زیادی داشته باشند و باید یک شرایط متوسط با امکان پیشرفت تدریجی را در نظر بگیرند.

«ای ۳» باید به محض مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای یک توافق هسته ای اولیه آماده باشد؛ اگر چنین توافقی در چارچوبی چند جانبه با روسیه و چین هماهنگ شود، «ای ۳» شانس بیشتری برای موفقیت خواهد داشت. سه کشور مطرح اروپایی همچنین باید آماده باشند تا در ازای متوقف شدن برنامه هسته ای ایران، یک بسته اقتصادی جذاب به ایران پیشنهاد دهند تا بتوانند نظر این کشور را برای بازگشت به تعهدات برجامی جلب کنند. البته لازم به ذکر است که موضع گیری ایالات متحده در قبال چنین توافقی نقشی تعیین کننده در موفقیت آن خواهد داشت.

در صورت پیروزی مجدد ترامپ در انتخابات آمریکا، برچیده شدن کامل تحریم ها و بازگشت به برجام چندان محتمل نیست. با این حال، به رغم تلاش های مقامات دولت فعلی ترامپ برای نابودی برجام، او همچنان به توافق با ایران تمایل دارد و از این رو، ممکن است در دولت دوم ترامپ «ای ۳» به موقعیتی مناسب برای پیشبرد توافق اولیه دست یابد.

اگر بایدن رئیس جمهوری آمریکا شود، توافق موقت با میانجی گری «ای ۳» می تواند به مهار برنامه هسته ای ایران کمک کند. دولت بایدن حتی ممکن است تصمیم به بازگشت به برجام بگیرد. با این حال، چنین امری با توجه به مخالفت بالقوه جمهوری خواهان کنگره با بایدن، کار ساده ای نخواهد بود.

به هر حال، توافق اولیه یا موقت در دولت جدید ترامپ یا بایدن ویژگی‌های مشابهی خواهد داشت و می‌تواند برخی منابع را برای اقتصاد ایران که تحت تاثیر فشارهای خارجی و کووید ۱۹ آسیب دیده، فراهم آورد. اروپایی‌ها می‌توانند برای کاهش نگرانی‌های ایالات متحده درباره نحوه استفاده ایران از این منابع، ساز و کارهایی مانند اینستکس را پیشنهاد دهد. کمک به تسهیل در پرداخت وام صندوق بین‌المللی پول به ایران نیز در همین راستا قرار می‌گیرد. «ای ۳» همچنین می‌تواند به تامین اعتبار برای خرید فوری نفت ایران متعهد شود و مرحله بعدی این رویکرد نیز تسهیل در تحریم‌های ثانویه ایالات متحده از طریق معافیت از تحریم‌ها به دستور رئیس‌جمهوری خواهد بود.

در هر صورت، انتخابات ایالات متحده در ماه نوامبر فرصت سیاسی لازم برای دولت‌های اروپایی برای از سرگیری تلاش‌های دیپلماتیک با هدف بازگرداندن ایالات متحده و ایران به میز مذاکره را فراهم می‌کند. برای این کار، ای ۳ و اتحادیه اروپا باید خیلی سریع پس از انتخابات ایالات متحده دیپلماسی را در سطح بالایی در دستورکار خود قرار دهند. اگر روحانی در احیای برجام پیشرفت کند، چنین فعالیت‌های دیپلماتیک خارجی می‌تواند نیروهای میانه رو را پیش از انتخابات ایران در سال ۲۰۲۱ تقویت کند. اگرچه دولت روحانی تضعیف شده و در سال پایانی خود است، اما نباید ظرفیت آن را برای سوق دادن نظام ایران به سمت عمل‌گرایی دست‌کم گرفت. همانطور که یکی از تحلیل‌گران می‌گوید، سیاست ایران «بی‌پایان» و «در جریان» است: «بازیگران بازیگر هستند؛ شرط بندی می‌کنند؛ رقابت می‌کنند؛ اما لزوماً نتیجه را نمی‌دانند.